

رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وَسْتَرَه جاتَکَه»؛ بر اساس مؤلفه‌های وابسته به اسم

راضیه موسوی‌خو (دانشجوی دکترای فرهنگ و زبان‌های باستانی واحد علوم تحقیقات تهران، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران)
زهره زرشناس (استاد فرهنگ و زبان‌های باستانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران) (نویسنده مسئول)
آتوسا رستم بیک تفرشی (استادیار زبان‌شناسی همگانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران)

صص: ۸۳-۱۱۲

چکیده

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی‌ست که به سه گروه مانوی، بودایی و مسیحی تقسیم می‌شود. در این پژوهش به بررسی آرایش سازه‌های متن سغدی بودایی «وَسْتَرَه جاتَکَه» پرداخته شده است. تاکنون پژوهشی در باب رده‌شناسی زبان سغدی بودایی صورت نگرفته است. این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی و تحلیل‌ها از نوع کمی و کیفی است، گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای است. چارچوب تحلیل، مؤلفه‌های تحلیل آرایش سازه‌ی معرفی‌شده در دبیرمقدم (۱۳۹۲) و درایر (۱۹۹۲) است. از میان مجموع ۲۸ مؤلفه‌ی معرفی‌شده در این آثار، ۱۵ مؤلفه‌ی وابسته به اسم بررسی شده‌اند. در این پژوهش، رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته^۱ و نظریه‌ی جهت انشعاب درایر^۲ (۱۹۹۲) و الگوی بررسی آرایش سازه‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲) انجام گرفته است. بر مبنای نظریه‌ی جهت انشعاب (BDT) برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی. پس از بررسی ۲۹۱۲ جفت‌عنصر

- 1- Head-Dependent Theory
- 2- Brancing Direction Theory

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۳۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۹

- پست الکترونیکی: 1. Humamusavi66@gmail.com 2. zzarshenas@gmail.com
3. Atoosa.rostambeik@gmail.com

وابسته به اسم موجود در متن، مشخص شد که زبان سغدی بودایی بر اساس فرضیه‌ی جهت انشعاب، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد. به طوری که در ۵ مؤلفه راست‌انشعابی یا هسته‌آغاز است و در ۸ مؤلفه چپ‌انشعابی یا هسته‌پایان است.

کلیدواژه‌ها: زبان سغدی بودایی، رده‌شناسی، آرایش سازه، وِستتره جاتکه، جهت انشعاب.

۱. مقدمه

زبان سغدی از زبان‌های ایرانی میانه‌ی شرقی است که در سغدیانان^۱، منطقه‌ای در امتداد زرافشان و کشکه دریا (بخشی از ازبکستان و تاجیکستان امروز) رواج داشته است. این زبان از گروه شرقی و شاخه‌ی ایرانی خانواده‌ی زبان‌های هند و اروپایی است. تاریخ نگارش آثار بازمانده از سغدی به سده‌ی دوم تا دهم میلادی باز می‌گردد. متون سغدی بودایی که بزرگترین مجموعه‌ی متن‌های سغدی‌اند، بیشتر از اصل چینی به سغدی ترجمه شده‌اند و دربردارنده‌ی متن‌های کامل یا تکه‌تکه‌ی بودایی‌اند. مانند سوتره‌ها^۲، جاتکه‌ها^۳ و متن‌های پرجنا پارمیتا^۴. مهم‌ترین آثار سغدی بودایی، دو کتاب **وستتره جاتکه**^۵ (قریب، ۱۳۷۱) و **سوتره چم**^۶ و **پادافره کردار**^۷ (مکنزی، ۱۹۷۰) هستند.

وستتره جاتکه متنی است به زبان سغدی که به خط بودایی نوشته شده است و طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی‌ست. این متن از یافته‌های پل پلیو^۸ دانشمند فرانسوی است که در اوایل قرن بیستم، همراه با متون دیگر سغدی بودایی از غارهای هزار بودای چین به کتابخانه‌ی ملی پاریس برده شد. قسمت دیگر این مجموعه توسط سراورل استین^۹ به موزه‌ی بریتانیا راه یافت (قریب، ۱۳۸۳: ۴۹).

-
- 1- Soghdiana
 - 2- Sūtra
 - 3- Jātaka
 - 4- Prajñāpāramitā
 - 5- Vessantra Jātaka
 - 6- Sūtra čam
 - 7- Pādafrāh Kerdār
 - 8- Paul Pelliot
 - 9- Sir Marc Aurel Stein

دست‌نوشته شامل ۲۹ برگ به اندازه‌های ۴۵/۰ × ۴۸/۰ است. چاپ اول این متن به صورت حرف‌نویسی لاتین همراه با ترجمه‌ی فرانسوی آن با عنوان «روایت سغدی وستتره جاتکه»، به کوشش روبرت گوتیو^۱ در مجله‌ی *آسیایی* سال ۱۹۱۲ چاپ شد^۲. رامیل بنونیس^۳ (۱۹۴۰)، نیز دست‌نوشته‌ی سغدی این متن را همراه با نسخه‌های دیگر سغدی در مجموعه‌ی کتابخانه‌ی ملی پاریس چاپ کرده^۴ و در سال ۱۹۴۶ وی این متن را به صورت حرف‌نویسی لاتین همراه با ترجمه‌ی فرانسه، واژه‌نامه و یادداشت‌ها و تفسیرهای بسیار عالمانه منتشر کرد.^۵ این متن توسط دکتر بدرالزمان قریب (۱۳۷۱)، در کتاب *داستان تولد بودا به روایت سغدی*، ترجمه و حرف‌نویسی شد. همچنین برخی نکات صرفی و دستوری آن نیز بیان شد.

در این پژوهش تلاش می‌شود که بین بررسی‌های حیطه‌ی مطالعات زبان‌های باستانی و رویکردهای تحلیلی در زبان‌شناسی پیوند ایجاد شود. یکی از رویکردهای مورد توجه در زبان‌شناسی و به ویژه در مطالعات تاریخی، رده‌شناسی^۶ است که در پژوهش حاضر نیز به عنوان رویکرد تحلیل انتخاب شده است. به این منظور، متن سغدی بودایی وستتره جاتکه از منظر رده‌شناسی آرایش سازه^۷ (درایر، ۱۹۹۲ و دبیرمقدم، ۱۳۹۲) و با تمرکز بر اسم بررسی خواهد شد تا به این پرسش‌ها پاسخ داده شود که ۱- مؤلفه‌های رده‌شناختی ترتیب سازه، در بررسی رده‌شناختی متون سغدی بودایی تا چه اندازه کارآمد است؟ و ۲- بر اساس ترتیب عناصر و آرایش سازه‌های وابسته به اسم در متون سغدی بودایی، این زبان جزو زبان‌های فعل‌میانی است یا فعل‌پایانی؟ شایان ذکر است که تقسیم‌بندی مؤلفه‌ها به مؤلفه‌های اسمی و فعلی، یک تقسیم‌بندی فرضی و مبتنی بر تصمیم نگارندگان بوده است. به دلیل حجم زیاد متن بررسی شده و نمونه‌های موجود در آن، امکان ارائه‌ی نتایج تمام مؤلفه‌ها در یک مقاله وجود نداشت. از همین روی در این پژوهش تنها به مؤلفه‌های وابسته به اسم پرداخته شده است.

1- R. Gauthiot

2- Gauthiot, R., Une version sogdienne du Vessantara Jataka, Journal Asiatique, (janvier-(janvier-fevrier) 1912. pp. 163-193 ; 429-510.

3- É. Benveniste

4- Codices Sogdiani, Mionumentum Linguarum Asiae Majoris III, Copenhagen 1940.

5- E. Benveniste, Textes Sogdian, Edités, Traduits et Commentés, Paris, 1940. E.

Benveniste, Vessantara jātaka, Texte sogdien, édité, traduit, commenté Mission Pelliot en Asie Centrale Paris 1946.

6- Typology

7- Word order

۲. پیشینه‌ی پژوهش

بررسی پژوهش‌های انجام شده‌ی داخلی و خارجی در دو حیطه‌ی رده‌شناسی و زبان‌های باستانی نشان می‌دهد که در این حیطه یعنی تلفیق مطالعات زبان‌های باستانی و رده‌شناسی آرایش سازه‌ها تعداد پژوهش‌ها بسیار اندک است. ابوالقاسمی (۱۳۷۵) در بخش نخست جلد دوم *راهنمای زبان‌های باستانی ایران*، در دو فصل جداگانه به کلیات قواعد دستوری ایرانی باستان و کلیات قواعد دستوری ایرانی میانه‌ی غربی پرداخته و در ضمن آنها قواعد دستوری و صرف و نحو مربوط به اسم را بیان کرده است. وی (۱۳۷۵) همچنین فصول دوم تا پنجم کتاب *دستور تاریخی زبان فارسی* را به مباحث مربوط به اسم و وابسته‌های آن در زبان‌های باستانی ایران اختصاص داده است. آموزگار و تفضلی (۱۳۷۵) نیز در ضمن کتاب *زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن* مقوله‌های مربوط به اسم، صفت، ضمائر، قید و حروف اضافه در زبان پهلوی را به روشنی شرح داده‌اند. میرفخرایی (۱۳۸۳) نیز در *آمدی بر زبان ختنی* را به نگارش درآورد و در گفتار سوم آن به بررسی اسم در زبان ختنی پرداخت. در خصوص دیگر زبان‌های باستانی نیز قواعد مربوط به اسم همواره در ضمن و به عنوان بخشی از کتاب‌های دستور آمده که از آن جمله می‌توان به کتاب زیر اشاره کرد. مولایی (۱۳۸۴) در بخش نخست *راهنمای زبان فارسی باستان* به آواشناسی، ساخت واژه، صرف اسم و صفت، ضمائر، اعداد و قید در این زبان پرداخته است. همچنین در این زمینه مقالاتی پژوهشی نیز به نگارش درآمده است. مثلاً مقدم (۱۳۸۴) مقاله‌ی «ساختمان حروف اضافه‌ی منفرد در زبان‌های پهلوی ساسانی و فارسی میانه‌ی ترفانی» را نوشته است. از دیگر پژوهش‌ها در زمینه‌ی رده‌شناسی زبان فارسی میانه می‌توان به منشی‌زاده و ناصح (۱۳۸۶) اشاره کرد که در مقاله‌ی «نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانه» به این مهم پرداخته و سعی کرده‌اند که آرایش سازه‌ها در فارسی میانه‌ی پهلوی را مشخص کرده و جایگاه این زبان را در رده‌های ممکن نحوی معین سازند. زرشناس (۱۳۸۷) *دستنامه‌ی سغدی* را نوشت که در گفتار دوم این کتاب به دستور زبان سغدی و بررسی و توصیف اسم و وابسته‌های آن و جایگاه آن در جمله پرداخته است. مقدم (۱۳۸۸) در مقاله‌ی «حروف اضافه‌ی دوگانه، توأمان و ترکیبات اضافی، در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی» به این مقوله پرداخته است. راشد‌محصل (۱۳۸۹) نیز در بخش‌هایی از کتاب *راهنمای زبان سنسکریت* به مبحث اسم در این زبان (از جمله اسم و صفت، ضمائر، عدد و

ترکیب‌ها) اشاره کرده است. مقدم (۱۳۹۰) همچنین در مقاله‌ی «معانی و ساخت‌های دستوری حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی» به مفاهیم و عملکردهای دستوری حروف اضافه در کتیبه‌های پهلوی ساسانی پرداخته است. از دیگر پژوهش‌ها پیرامون اسم در زبان سنسکریت کتاب باغ بیدی (۱۳۹۱) با عنوان *مقدمات زبان سنسکریت* است که در آن مباحث مربوط به صرف نام و صفات مطرح شده است ولی چنانکه گفته شد تا کنون کتاب مستقلی درباره‌ی اسم و جایگاه آن و آرایش سازه‌های اسمی در زبان‌های باستانی به طور مستقل نوشته نشده است. مقاله‌ای نیز در «بررسی تحول ساختار قید در فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی دری» توسط بقایی و محمدی ده چشمه (۱۳۹۴) نوشته و در آن به سیر تحول تاریخی قید از باستان تا کنون پرداخته شده است.

پژوهش‌هایی نیز در راستای ایجاد پیوند بین رویکردهای نوین زبان‌شناسی و مطالعات زبان‌های باستانی انجام شده است که می‌توان به مقدم (۱۳۹۰) اشاره کرد که به «بررسی حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی» پرداخته است و مفاهیم و عملکردهای دستوری حروف اضافه در کتیبه‌های ساسانی و گزیده‌ای از متون پهلوی کتابی و پارسی میانه‌ی ترفانی را شرح داده است. اسماعیلی و حسن‌پور (۱۳۹۲) نیز قواعد ساخت سازه‌ای فارسی باستان در کتیبه‌ی بیستون را بررسی کرده‌اند تا بتوانند جایگاه هسته را نسبت به وابسته‌هایش در گروه‌های نحوی مختلف از جمله گروه اسمی، گروه صفتی، حرف اضافه‌ای و غیره بررسی کنند. در بررسی گروه اسمی یکی از ساخت‌های مورد توجه در بررسی‌های تاریخی و تطبیقی، کسره‌ی اضافه است که موضوع پژوهش‌های گوناگون ایرانی و غیر ایرانی بوده است. از جمله پژوهش‌هایی که کسره را به لحاظ تاریخی مورد توجه قرار داده‌اند می‌توان به استاجی و جهانگیری (۱۳۸۵)، مقدم (۱۳۹۰) و رضویان، کاوسی تاجکوه و بهرامی خورشید (۱۳۹۵) اشاره کرد که البته همه‌ی موارد به تحول زبان فارسی از دوره‌ی باستان تا کنون توجه داشته‌اند.

در زمینه‌ی بررسی زبان‌های ایرانی دوره باستان و میانه می‌توان به هایدر^۱ و زوانزیگر^۲

اشاره کرد که به بررسی ساخت اضافه در فارسی باستان و میانه پرداخته‌اند. کوبویچ^۳

1- H. Haider

2- R. Zwanziger

3- I. Y Kubovich

(۲۰۰۵) به بررسی کارکردهای نحوی ZY سغدی و تفاوت آن با زبان آرامی پرداخته است تا رابطه‌ی تاریخی بین این دو عنصر را به طور نظام‌مند تحلیل کند. بوبنیک^۱ (۲۰۰۹) ساخت ملکی را در زبان‌های ایرانی میانه بررسی و به مقایسه‌ی آن با زبان‌های آلبانیایی پرداخته است. در زمینه‌ی بررسی ترتیب سازه در زبان‌های باستانی نیز پژوهش‌های خارجی انجام شده است. دبیرمقدم (۱۳۹۲: ۱۴۸) به پژوهش فردریک^۲ (۱۹۷۵) اشاره کرده است. وی در اثر خود با عنوان «نحو هند و اروپایی آغازین: ترتیب عناصر معنی‌دار» به ترتیب واژه‌ها در هند و اروپایی آغازین پرداخته است و به زبان‌های یونانی هومری، ارمنی باستان، فارسی باستان، اوستایی، ایتالیک، سلتی و اسلاوی آغازین استناد کرده است. هیل^۳ (۱۹۸۸) ترتیب واژه را در فارسی باستان مورد کنکاش قرار داده است و به این نکته اشاره کرده است که در بسیاری از جملات پیکره‌ی متون اوستایی و ریگ‌ودا عبارات فعلی به گونه‌ای هستند که فعل در انتهای عبارت فعلی قرار می‌گیرد و فاعلی که حالت فاعلی دارد پیش از این فعل قرار می‌گیرد. بوبنیک (۱۹۸۹) ساخت کنایی گسسته^۴ را در زبان‌های هند و ایرانی بررسی کرده است. در عین حال، دبیرمقدم (۲۰۰۶) معتقد است که فارسی باستان، که زبانی تصریفی در نظر گرفته می‌شود، به نظر می‌رسد که اساساً زبانی با ترتیب واژه‌ی آزاد است. فارسی میانه نیز از این نظر مانند فارسی باستان است با این تفاوت که زبانی تحلیلی به شمار می‌رود.

از جمله پژوهش‌های خارجی درباره‌ی زبان سغدی می‌توان به این موارد اشاره کرد: هیگ^۵ (۲۰۰۸) در فصل سوم کتاب خود با عنوان *تغییر انطباق در زبان‌های ایرانی* به ساختار نحوی زبان‌های ایرانی میانه از جمله سغدی و نظام حالت در این زبان‌ها اشاره کرده است. در کتابی با عنوان *زبان‌های ایرانی* که ویندفور^۶ (۲۰۰۹) ویراستار آن بوده است، به زبان‌های باستانی ایرانی نیز پرداخته شده است. یوشیدا^۷ (۲۰۱۳) در فصلی از این کتاب با عنوان سغدی به تاریخچه و شرح ویژگی‌های زبان سغدی پرداخته است. در بخش صرف، ساختواژه‌ی اسمی^۸ با اشاره به

1- V. Bubenik

2- P. Friedrich

3- M. Hale

4- split ergativity

5- G. L. Haig

6- G. Windfuhr

7- Y. Yoshida

8- nominal morphology

مقوله‌های تصریف اسم و نظام حالت همراه است. همچنین دو ماده‌ی سبک و سنگین اسم را معرفی کرده است. در بررسی صفات به درجات^۱ صفت و به صفت فزاینده^۲ اشاره کرده است. همچنین انواع ضمائر شخصی، انعکاسی و دوسویه معرفی شده‌اند. حروف تعریف، ضمائر اشاره و قیده‌ها، ضمائر پرسشی، نسبی و ضمائر مبهم و حروف اضافه از دیگر مباحث مرتبط با اسم در این فصل است.

در حیطه‌ی رده‌شناسی و بررسی ترتیب سازه، پژوهش‌های گوناگونی بر روی زبان‌ها و گویش‌ها ایرانی انجام شده است. ثمره (۱۳۶۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی» به بررسی رده‌شناختی زبان فارسی پرداخته است. یوسفیان (۱۳۸۳)، در رساله‌ی دکتری خود، به توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی پرداخت. دبیر مقدم همچنین (۱۳۹۲) در کتاب رده‌شناسی زبان‌های ایرانی، به بررسی رده‌شناسی زبان فارسی و دیگر زبان‌های ایرانی مانند بلوچی، دوانی، لارستانی، تالشی، وفسی، و... پرداخته است. در فصل دوم این کتاب، به بررسی رده‌شناختی زبان‌های فارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه اشاره شده است (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۳۰). رضاپور (۱۳۹۴) ترتیب واژه در سمنانی را از منظر رده‌شناسی زبان بررسی کرده است و به این منظور از مؤلفه‌های بیست و چهارگانه درایر (۱۹۹۲) استفاده کرده است. حامدی شیروان (۱۳۹۵) نیز در رساله‌ی دکتری خود با عنوان «بررسی آرایش واژگان و حالت‌نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناسی زبان» به این مهم پرداخته است. در زمینه‌ی بررسی رده‌شناختی زبان سغدی، تنها یک اثر وجود دارد که رساله‌ی دکتری صابونچی (۱۳۹۸) است که در آن به بررسی آرایش سازه‌های چند متن به زبان سغدی مانوی پرداخته است. به این ترتیب، بررسی پیشینه‌ی حاکی از آن است که تاکنون پژوهشی در زمینه‌ی رده‌شناختی متون سغدی بودایی انجام نشده است و این پژوهش نخستین بررسی در این زمینه به‌شمار می‌آید. همانطور که پیشتر نیز اشاره شد، اهمیت و ضرورت انجام این تحقیق در پیوند مطالعات متون کهن با رویکردهای جدید زبان‌شناسی است که می‌تواند ابعاد تازه‌ای از متون کهن را برای ما روشن کند و چنین مطالعاتی را از انزوا خارج کند. اینگونه پژوهش‌ها باعث بوجود آمدن پیوند میان رشته‌های زبان‌های باستانی و زبان‌شناسی خواهند شد. پیوندی که خلأ آن به شدت احساس می‌شود چرا که بیشتر مطالعات و تحقیقات زبان‌های

1- degree

2- elative

باستانی دربرگیرنده‌ی توصیف و ترجمه، ریشه‌شناسی و بررسی متون بازمانده‌ی کهن است اما در زمینه‌ی زبان‌شناسی و رده‌شناسی و رویکردهای آن، کمتر تلاشی در این زمینه صورت گرفته است.

۳. روش پژوهش

روش تحقیق در این پژوهش، روش توصیفی-تحلیلی است و به شیوه‌ی کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین ترتیب که متن *وستتره جاتکه* به طور کامل و با توجه به چارچوب نظری پژوهش‌های رده‌شناسی و مؤلفه‌های هسته‌محور درایر و دبیرمقدم، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در سال ۱۹۴۶ متن *وستتره جاتکه* به حرف‌نویسی لاتین همراه با ترجمه‌ی فرانسه، واژه‌نامه و یادداشت‌ها و تفسیرها توسط بنونیست منتشر شد. دکتر بدرالزمان قریب نیز در سال ۱۳۷۱ فقط ترجمه‌ی آن را به فارسی برگرداند و در سال ۱۳۸۳ کتاب *روایتی از تولد بودا* که شامل متن *سغدی وستتره جاتکه* به صورت حرف‌نویسی و ترجمه‌ی فارسی آن می‌شد را منتشر کرد که این دو کتاب در این پژوهش مبنای کار قرار گرفته‌اند. برای بررسی و شناخت واژگان متن، کتاب‌های *فرهنگ سغدی* (قریب: ۱۳۷۴) و *Vesantara Jataka* (بنونیست: ۱۹۴۶) و *دستنامه‌ی سغدی* (زرشناس: ۱۳۹۰) مورد استفاده قرار گرفته‌اند. برای تحلیل داده‌ها نیز مقاله‌ی درایر (۱۹۹۲) و کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* دبیرمقدم (۱۳۹۲) مبنای کار قرار گرفته است. برای تحلیل آرایش واژه‌ها، از میان ۲۴ مؤلفه‌ای که دبیرمقدم در کتاب *رده‌شناسی زبان‌های ایرانی* آورده است و همچنین ۴ مؤلفه‌ی دیگر که درایر (۱۹۹۲) در مقاله‌ی «همبستگی آرایش واژه‌های گرینبرگی» ارائه داده، مؤلفه‌های وابسته به اسم بررسی شده‌اند. مؤلفه‌های مورد بررسی به این شرحند: ۱. نوع حرف اضافه (پیش‌اضافه یا پس‌اضافه) ۲. توالی هسته‌ی اسمی و بند موصولی ۳. توالی مضاف و مضاف‌الیه ۴. توالی صفت و مبنای مقایسه ۵. توالی موصوف و صفت ۶. توالی صفت اشاره و اسم ۷. توالی قید مقدار و صفت ۸. توالی ادات استفهام و جمله ۹. توالی پیرونمای بند قیدی و بند ۱۰. توالی حرف تعریف و اسم ۱۱. توالی عدد و اسم ۱۲. توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی ۱۳. توالی متمم‌نما و جمله‌ی متمم ۱۴. حرکت پرسشواژه ۱۵. واژه جمع‌ساز و اسم.

۴. مبانی نظری پژوهش

رده‌شناسی شاخه‌ای علمی است که به دسته‌بندی پدیده‌های مورد مطالعه می‌پردازد. این شاخه‌ی مطالعاتی با عنوان رده‌شناسی زبان و رده‌شناسی زبان‌شناختی مصطلح است که به اختصار رده‌شناسی گفته می‌شود. «رده‌شناسی زبان را می‌توان مطالعه‌ی نظام‌مند بین زبان‌ها تعریف کرد. این تعریف این پیش‌انگاره را در خود دارد که برخی اصول کلی بر تنوع میان زبان‌ها حاکم‌اند، و من نیز به چنین انگاره‌ای قائلم» (کامری^۱، ۲۰۰۱: ۲۵). زمان پیدایش این علم به ۲۵۰ سال پیش باز می‌گردد و نخستین کسی که اصطلاح *typologie* «رده‌شناسی» را برای آن به کار برد، گابلنتس^۲ (۱۸۹۱/۱۹۰۱) دانشمند آلمانی مکتب نودستوریان بود و از سال ۱۹۲۸، این واژه در زبان‌شناسی مصطلح شد و رواج گسترده یافت. می‌توان جوزف گرینبرگ^۳ را پدر رده‌شناسی نوین نامید. گرینبرگ (۱۹۶۶)، با ارائه‌ی یافته‌های تجربی خود پیرامون گروه بزرگی از زبان‌ها، رده‌شناسی آرایش واژگان را مهمترین دغدغه‌ی پژوهش‌های زبانی دانست و مطالعات در این زمینه را آغاز کرد. او نتایج مشاهدات خود را به صورت ۴۵ همگانی بیان کرد. سپس لمان^۴ (۱۹۷۳) به عنوان کاشف ایده‌ی فعل عامل سازمان‌دهنده‌ی الگوی آرایش واژگان شناخته شد. او نخستین کسی بود که میان زبان‌های فعل‌پایانی (OV) و زبان‌های فعل‌آغازی (VO) تفاوت قائل شد. با این کار با فرض فعل‌پایانی بودن یک زبان، می‌توان پیش‌بینی کرد که در این زبان عناصر اسمی صفات، اضافه و اصطلاحات موصولی در طرف چپ اسم و با فرض فعل‌آغازی بودن زبان، عناصر در طرف راست اسم قرار می‌گیرند. به پیروی از لمان، ونمان^۵ (۱۹۷۴) زبان‌ها را فعل‌پایانی و فعل‌آغازی دانست و بر آن بود که تمامی قواعد واژه‌آرایی به جایگاه نسبی فعل و مفعول بستگی دارند. وی بر اساس عبارات تلویحی گرینبرگ نظریه‌ی هسته-وابسته^۶ را مطرح کرد (حامدی شیروان و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). در واقع وی ترتیب واژه‌ی گرینبرگی را به زبان‌های هاکینز وابسته-هسته در مقابل هسته-وابسته تقسیم کرد. هاکینز^۷ (۱۹۸۳) می‌کوشد بین اصول چندگانه‌ی گرینبرگ (دارای اعتبار تجربی) و اصول

1- B. Comrie

2- H. C. Gabelentz

3- Joseph Greenberg

4- W. P. Lehmann

5- T. Vennemann

6- Head-Dependent Theory

7- J. A. Hawkins

ساده‌ی لمان و ونمان (فاقد اعتبار تجربی) تعادلی ایجاد کند، به همین روی از داده‌های گرینبرگ استفاده نکرد و نمونه‌ای ۳۳۶ تایی از زبان‌ها را برای بررسی انتخاب کرد (حامدی شیروان و همکاران، ۱۳۹۵: ۴). هاکینز همچنین اصل هماهنگی بینامقوله‌ای را برای بررسی دقیق‌تر بسامد زبان‌ها مطرح نمود. اما کامری (۱۹۸۹) اصطلاح آرایش سازه‌ها را مطرح نمود و دغدغه‌ی اصلی پژوهش را در حوزه‌ی آرایش سازه‌ها دانست نه در آرایش واژگان. از آنجایی که این سازه‌ها ممکن است شامل یک یا چند واژه باشند. وی اصطلاح آرایش سازه‌ها را درست‌تر خواند. در نهایت در این مقاله‌ی خود بر اساس بررسی آرایش واژگان ۹۲۵ زبان، برخی از ادعاها درباره‌ی آرایش واژگان را پذیرفت و برخی فرضیات پذیرفته شده را نیز رد کرد (همان). در این نظریه‌ی سوی انشعاب^۱ را مطرح کرد. بر اساس این نظریه، سازه‌های هم‌الگو با فعل مقوله‌های غیرگروهی (غیرانشعابی یا واژگانی) و سازه‌های هم‌الگو با مفعول مقوله‌های گروهی (انشعابی) می‌باشند. بر این اساس زبان‌های راست‌انشعابی^۲ تمایل به قرار گرفتن مقوله‌های گروهی پس از مقوله‌های غیرگروهی دارند و زبان‌های چپ‌انشعابی^۳ به صورت برعکس دیده می‌شوند. در این (۱۹۹۲) در مقاله‌ی خود وجود همبستگی بین ترتیب فعل و مفعول از یک سو و ترتیب جفت‌های خاصی از عناصر دستوری از سوی دیگر را مورد بحث قرار داده است. برای اشاره به این جفت‌ها از اصطلاح جفت‌های همبستگی^۴ استفاده کرده است و آنها را به شکل زیر تعریف کرده: اگر توالی یک جفت عنصر X و Y به ترتیب با توالی فعل و مفعول همبستگی نشان دهد آن گاه جفت X و Y جفت‌های همبستگی خوانده می‌شوند. در این جفت همبستگی X هم‌الگو با Y و Y هم‌الگو با X دانسته می‌شود. به عنوان نمونه از آنجایی که زبان‌های فعل‌پایانی تمایل به پس‌اضافه بودن و زبان‌های فعل‌میانی تمایل به پیش‌اضافه بودن دارند می‌توان گفت که جفت حرف اضافه و گروه اسمی یک جفت همبستگی است و بر اساس این جفت حروف اضافه هم‌الگو با فعل X و گروه‌های اسمی همراهان حروف اضافه هم‌الگو با مفعول Y می‌باشند. شایسته‌ی ذکر است که در این مقاله‌ی یاد شده ۲۳ جفت همبستگی به دست داده است و برای هر مورد جفت همبستگی یک جزء جدول

-
- 1- Branching Direction Construction
 - 2- Right Branching
 - 3- Left Branching
 - 4- Correlations Pair

مستقل ارائه کرده است. جدول ۱-۴ نشان دهنده‌ی جفت‌های همبستگی وابسته به اسم است که بر اساس جدول ۳۹ درایر (۱۹۹۲) تنظیم شده است.

جدول ۱-۴ جفت‌های همبستگی

هم‌الگو با فعل	هم‌الگو با مفعول
حرف اضافه	عبارت اسمی
متمم ساز	جمله
ادات پرسشی	جمله
پیرو ساز قیدی	جمله
حرف تعریف	اسم
اسم جمع ساز	اسم
اسم	مضاف الیه
اسم	بند موصولی
صفت	مبنای مقایسه

۲-۴. جدول زیر نشان دهنده‌ی جفت‌های غیرهمبستگی وابسته به اسم است که بر اساس جدول ۴۰ درایر (۱۹۹۲) تنظیم شده است.

جدول ۲-۴ جفت‌های غیر همبستگی

وابسته	هسته
صفت	اسم
صفت اشاره	اسم
قید مقدار	صفت

۵. تحلیل داده‌ها

همانطور که پیشتر اشاره شد برای تحلیل آرایش واژه‌ها، ۱۵ مؤلفه‌ی وابسته به اسم در این مقاله بررسی شده‌اند. بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته، سازه‌ی هم‌الگو با فعل، هسته و سازه‌ی هم‌الگو با مفعول، وابسته خوانده می‌شود. پس در زبان‌های VO آرایش سازه‌ای هسته_وابسته و در زبان‌های OV آرایش سازه‌ای وابسته_هسته‌ای حاکم است و نیز بر مبنای نظریه‌ی

جهت انشعاب برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی. در این بخش پس از آوردن نمونه‌هایی از هر مؤلفه، راست‌انشعابی یا چپ‌انشعابی بودن زبان سغدی در آن مؤلفه ذکر شده است. یافته‌ها به این شرحند:

۱- نوع حرف اضافه (پیشایند یا پسایند) (مؤلفه‌ی ۱، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

حروف اضافه‌ی به کار رفته در متن و ستتره جاتکه عبارتند از حروف اضافه‌ی پیشایند $k'w$ (به)، $\check{c}nn$ (از)، $pr'w$ (بر)، δnn (با)، pr (بر)، $pr'yw\delta$ (در آن، به آن) و حروف اضافه‌ی پسایند $\check{c}ntr$ (اندر)، $s'r$ (به سوی)، $py\delta'r$ (برای، به خاطر)، prm (در این، تا)، $pr'yw$ (همراه)، $\check{c}wpr$ (فراز، بالای). در مجموع در پیکره‌ی متن، ۶۹۵ حرف اضافه به کار رفته است که در این میان ۵۴۹ حرف اضافه‌ی پیشایند و ۱۴۶ حرف اضافه‌ی پسایند می‌توان یافت. بدین ترتیب حروف اضافه نسبت به عبارت اسمی به شکل (Prep_N) و (N_Postp) است. اما بیشتر به سمت (Prep_N) گرایش دارد. به عبارتی از میان ۶۹۵ جفت‌عنصر مورد بررسی، ۵۴۹ جفت‌عنصر راست‌انشعابی و ۱۴۶ جفت‌عنصر چپ‌انشعابی است. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱، گرایش به سوی راست‌انشعابی دارد. نتایج در نمودار ۱ نمایش داده شده است و دو مثال از موارد مشاهده شده نیز ارائه می‌گردد.

_ حرف اضافه‌ی پیشایند و عبارت اسمی (Prep_N)

1- $rty\ \check{s}w\ \check{c}nn\ wyspn'\ \check{c}w\ 'byz'\ wy'r\ \check{s}n$.

برهانم رنج هرگونه از او را و

ترجمه: و او را از هر رنجی برهانم. (سطر ۵۳۳)

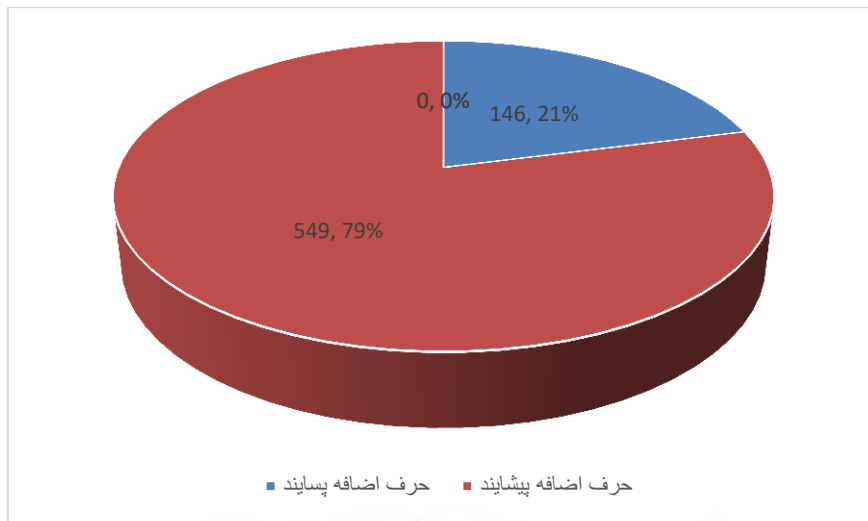
_ عبارت اسمی و حرف اضافه‌ی پسایند (N_Postp)

2- $ny\delta\ p'rzy\ y\beta ty\check{s}\ rm'\ w\delta yh\ rm\ z'kty\ pr'yw$.

همراه فرزندان با زن با رنج دیده‌ای زیرا بنشین

ترجمه: بنشین، زیرا (بسیار) رنج دیده‌ای، همراه با همسر و فرزندان. (سطر ۸۴۹)

۱- در متن و ستتره جاتکه rm (با) نیز به کار رفته است که هزوارش آن M' است و nn به معنی (با) خوانده می‌شود و فقط در متن و ستتره جاتکه به شکل rm خوانده می‌شود. در زیرنمونه‌ای از آن آورده شده است.



نمودار ۱- حرف اضافه‌ی پیشایند و پسایند

۲- توالی هسته‌ی اسمی و بند موصولی (مؤلفه‌ی ۲، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

ضمایر موصولی سغدی بر پایه‌ی دو نظام مکمل ماده‌های *k*- (برای جانداران) و *-č* (برای غیر جاندار) ساخته می‌شوند. در متن ۵۴ موصول و بند موصولی به کار رفته است که همواره یعنی در ۱۰۰ درصد موارد هسته‌ی اسمی پیش از بند موصولی آمده است. همه‌ی جفت-عنصرهای بررسی شده در این مؤلفه راست‌انشعابی هستند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه-ی متن، در مؤلفه‌ی ۲، راست‌انشعابی است.

_ هسته‌ی اسمی و بند موصولی (N_Rel)

3- 'wn'k r'δwh 'kw zy zkh 'ny''wr pwt'yšt yrt'nt.

پیمودند بودایان دیگر حرف تعریف که که راه همان

ترجمه: همان راهی که دیگر بودایان پیمودند. (سطر ۱۰۳)

4- ...yrβ pykš'kw n'β 'ky zy pr pt'yδ šw'ynt 'skwn.

می‌رفتند گدایی به که که مردم فقیر بسیار

ترجمه: بسیار مردم فقیر که به گدایی می‌رفتند. (سطر^a 88)

۳- توالی مضاف و مضاف‌الیه (مؤلفه‌ی ۳، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در زبان سغدی چنین است که مضاف‌الیه می‌تواند اسم یا ضمیر باشد. اگر مضاف‌الیه اسم دارای ماده‌ی سبک یا ضمیر باشد در حالت وابستگی- برای می‌آید و اسم‌هایی که ماده‌ی

سنگین دارند در حالت غیرفاعلی می‌آیند. در متن وسنتره جاتکه، ۱۱۲ مضاف و مضاف‌الیه وجود دارد و مضاف‌الیه همواره پیش از اسم قرار گرفته است. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۳، چپ‌انشعابی است.

_ مضاف‌الیه و مضاف (Gen-N)

5- rty mn' ZKwyh γw'r'nt 'pkšy' tys.

جای‌گرفت پهلوی راست حرف تعریف من و

ترجمه: و در پهلوی راست من جای‌گرفت. (سطر ۸)

6- rty ZKw py_yh ZKw šnth n'y's.

گرفت خرطوم حرف تعریف فیل آن b و

ترجمه: و خرطوم آن فیل را گرفت. (سطر ۳۵)

۴- توالی صفت و مبنای مقایسه (مؤلفه‌ی ۴، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در پیکره‌ی متن، تنها یک مورد کاربرد صفت و مبنای مقایسه دیده شد که در آن، مبنای مقایسه پیش از صفت قرار گرفته است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۴، چپ‌انشعابی است.

_ مبنای مقایسه و صفت (St-Adj)

7- pryn prytmh

عزیزترین عزیزان

ترجمه: عزیزترین [از] عزیزان. (سطر ۳۰۰)

۵- توالی موصوف و صفت (مؤلفه‌ی ۹، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسنتره جاتکه، صفت هم پیش از موصوف و هم پس از آن می‌آید. و از نظر صرفی با موصوف خود مطابقت می‌کند اما به طور کلی در زبان سغدی مطابقت آنها الزامی نیست. در این متن، ۳۴۸ موصوف و صفت به کار رفته است که در ۳۱۴ مورد صفت پیش از موصوف (هسته‌پایان) و در ۳۴ مورد پس از موصوف (هسته‌آغاز) آمده است. بنابراین صفت که سازه‌ی هم‌الگو با مفعول است بیشتر گرایش دارد که پیش از اسم که هم‌الگو با فعل است بیاید.

بنابراین صفت که سازه‌ی هم الگو با مفعول است بیشتر گرایش دارد که پیش از اسم که هم الگو با فعل است بیاید.

_صفت و اسم (Adj_N)

8- nw'y ny'wδn

جامه نو

ترجمه: جامه‌ی نو (سطر ۱۳)

_اسم و صفت (N_Adj)

9- z'tk przr prnywntk

فرخنده بس پسر

ترجمه: پسری بس فرخنده (سطر ۳۸)

۶- توالی صفت اشاره و اسم (مؤلفه‌ی ۱۰، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در زبان سغدی صفات اشاره بسته به نقشی که در جمله می‌گیرند صرف می‌شوند و بر پایه‌ی ماده‌های y- (صورت تحول یافته‌ی *ayam) یا m- (صورت تحول یافته‌ی *ima) به معنای «این»، یا بر پایه‌ی ماده‌های x- (صورت تحول یافته‌ی *hau) یا w- (صورت تحول یافته‌ی *ava) به معنای «آن» قرار دارند. ضمیر اشاره‌ی šw' به معنای «این، آن مذکر» و š' به معنای «این، آن مؤنث» نیز وجود دارد. همچنین در سغدی ضمیر اشاره‌ی مرکب نیز وجود دارند که در پیکره‌ی متن نیز یافت شدند. در متن وسنتره جاتکه ۱۱۳ صفت اشاره به کار رفته است که همواره پیش از اسم آمده‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۰، هسته‌پایان است.

_صفت اشاره و اسم (Dem_N)

10- zkw sywnw

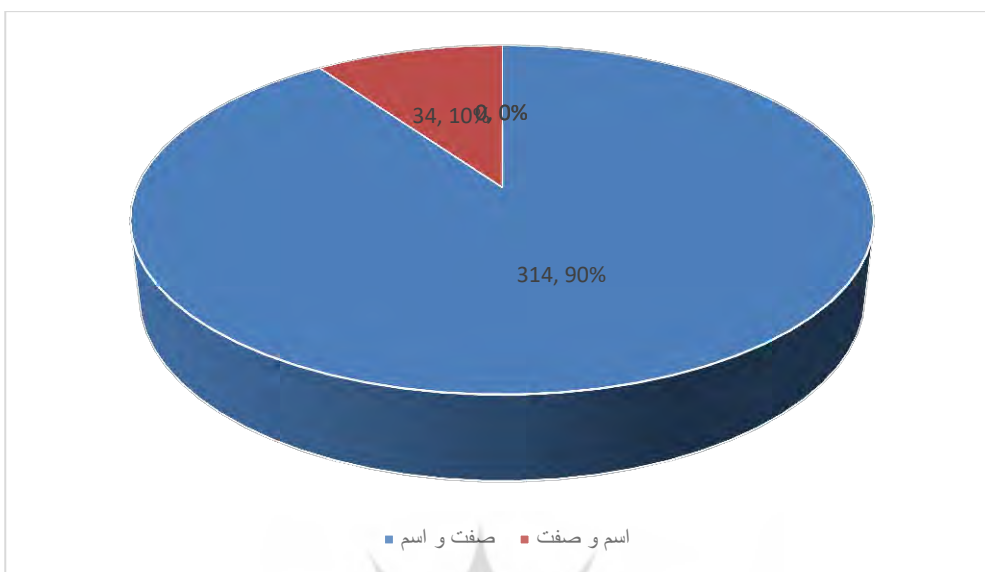
سخن آن

ترجمه: آن سخن (سطر ۱۰)

11- wyšnw snptsrt

پیشگویان آنها

ترجمه: آن پیشگویان (سطر^a)



نمودار ۲- توالی موصوف و صفت

۷- توالی قید مقدار و صفت (مؤلفه‌ی ۱۱، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

قیدها در زبان سغدی صرف نمی‌شوند. در متن وسستره جاتکه، ۱۳ بار قید مقدار به کار رفته است که در تمامی موارد قید مقدار همواره پیش از صفت آمده است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۱، هسته‌پایان است.

قید مقدار و صفت (Adv _ Adj)

12- čnsty š'wd
بسیار سیاه

ترجمه: بسیار سیاه (سطر ۴۰)

13- šyr ks'y
بسیار لاغر

ترجمه: بسیار لاغر (سطر ۱۲۶۴)

۸- توالی ادات استفهام و جمله (مؤلفه‌ی ۱۳، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسستره جاتکه ۸۰ بار ادات استفهام از ماده‌های -č- و -k- و نیز ادات استفهام kt'r (آیا) و kt'm (کدام) به کار رفته‌اند. در ۵۶ مورد ادات استفهام در ابتدای جمله آمده است. اما

مواردی نیز هست (۲۴ مورد) که ادات استفهام وسط یا پایان جمله‌ی پرسشی واقع شده است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۳، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد. _ ادات استفهام و جمله

14- čwty ywβnw wytw δ'r'y?

دیده‌ای خوابی چه

ترجمه: چه خوابی دیده‌ای؟ (سطر ۴)

_ جمله و ادات استفهام (وسط یا پایان جمله)

15- zkh t'yw''kt zy βy' k'w 'krt'nt?

شده‌اند چه سرور ای فرزندان حرف تعریف

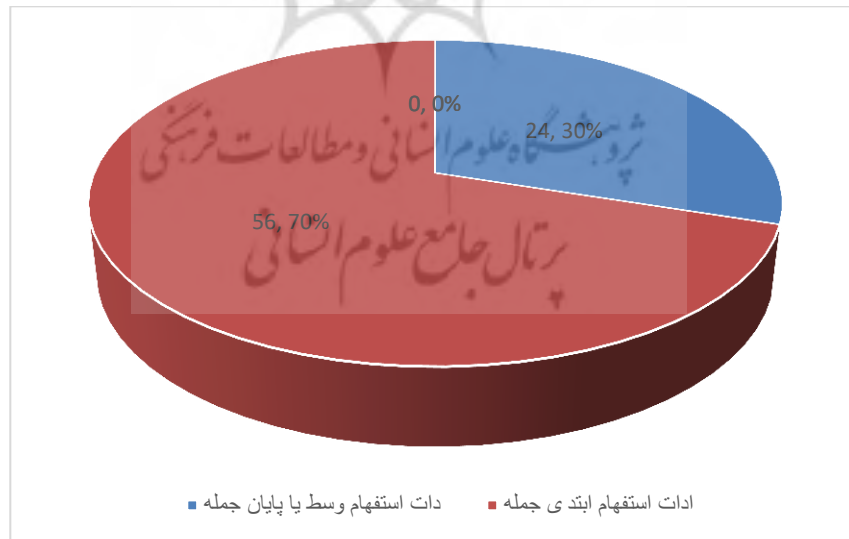
ترجمه: فرزندان من چه شده‌اند ای سرور؟ (سطر ۱۰۷۱)

- پرسشی کردن با تغییر لحن یا بدون ادات استفهام

16- swδ'sh tw'.

تو سوداشن

ترجمه: سوداشن این تویی؟ (سطر ۲۱۷)



نمودار ۳- توالی ادات استفهام و جمله

۹- توالی پیرونیامی بند قیدی / حرف ربط قیدی و بند (مؤلفه‌ی ۱۴، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وسنتره جاتکه، در مجموع ۲۰۶ حرف ربط قیدی به کار رفته است که همواره در ابتدای بند آمده است. در این بندها، گاه ضمائر موصولی - پرسشی به عنوان حرف ربط به کار می‌روند. در پیکره‌ی متن حروف ربطی č'n'kw (هنگامی که) ۱۰۴ بار، pr'w 'PZY (زیرا که) ۳۲ بار، py 'r 'PZY (بخاطر اینکه) ۲ بار، kw' (جایی که)، ۱۳ بار، wδ... 'kw (آنجا که) ۲ بار، WR (آنجا که) ۱ بار، nyš (حال که) ۱ بار، kδ (اگر که) ۲۳ بار، 'y k' (وقتی که) ۲ بار، KZNH yw'r 'PZY (به شرطی که) ۱ بار، p'rzy KZNH (برای اینکه) ۱ بار، 'PZY (که) ۱۲ بار، wyt'wr , wyt'wr 'PZY (تا، تا اینکه) ۲ بار، ky (که) ۱ بار، ZY (که) ۱۶ بار به کار رفته‌اند. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۴، راست‌انشعابی است.

_ پیرونمای قیدی / ربطی و بند (Sub_S)

17- rtyšn 'škr'n 'wδ 'kw zy 'yw pyδ'n ywt'w 'skwty.

است شاه پیلان حرف تعریف که جایی آنجا می‌برم آنان را پس

ترجمه: پس من ایشان را به آنجا که شاه پیلان است می‌برم. (سطر ۱۹۴)

18- 'wn'k r'δwh 'kw zy zkh 'ny''wr pwt'yšt yrt'nt.

پیمودند بودایان دیگر حرف تعریف که راه همان

ترجمه: همان راهی که دیگر بودایان پیمودند. (سطر ۱۰۳)

۱۰- توالی حرف تعریف و اسم (مؤلفه‌ی ۱۵، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در سغدی صورت‌هایی از ضمائر اشاره به عنوان حرف تعریف کاربرد دارند و دارای جنس و شمارند و در حالت‌های گوناگونی مانند نهادی، رایی و ... صرف می‌شوند. ضمیر اشاره‌ی xw که دارای نقش سوم شخص مفرد است، به عنوان حرف تعریف کاربرد دارد که صورت‌هایی از آن در پیکره‌ی متن به عنوان حرف تعریف یافت شد. که شامل ۱۰۱۲ می‌شود و همواره پیش از اسم آمده است. زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در این مؤلفه، راست‌انشعابی است.

_ حرف تعریف و اسم (Artcl_N)

19- zkh pr''mnt

برهمنان حرف تعریف

ترجمه: برهمنان (سطر ۲۱)

20- 'yw wyspyδr'k

شاهزاده حرف تعریف

ترجمه: شاهزاده (سطر^a)

۱۱- توالی عدد و اسم (مؤلفه‌ی ۱۷، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن وستتره جاتکه، ۱۱۵ عدد و معدود به کار رفته است. اعداد همواره پیش از اسم قرار گرفته‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۷، چپ‌انشعابی است.

_ عدد و اسم (Num_ N)

21- 'yw δywth

دختر یک

ترجمه: یک دختر (سطر^a 55)

22- čtβ'r kyr'n

کران چهار

ترجمه: چهار کران (سطر ۱۶)

کران چهار

۱۲- توالی اسم و تکواژ آزاد ملکی (مؤلفه‌ی ۱۹، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در سغدی، تکواژ آزاد ملکی، پی‌بست ضمیری است. در پیکره‌ی متن در مجموع ۷۰ تکواژ آزاد ملکی به کار رفته است که عبارتند از mn^۲ (ضمیر منفصل: از آن من، من، مرا)، my (ضمیر متصل: از آن من، من، مرا)، šy (ضمیر متصل: از آن او، او، به او)، šn (از آن ایشان)، βn (از آن شما، شما، به شما، شما را) که همواره پیش از اسم آمده‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۱۹، چپ‌انشعابی است.

_ تکواژ آزاد ملکی و اسم (Poss-N)

23- rty šy 'yw kršn 'ywywnčyδ 'y č'n'kw zy 'wyn ywyr βyy.

خدای خورشید حرف تعریف که چنان بود همانند سیما حرف تعریف _ش و

ترجمه: و سیمایش همانند خدای خورشید بود. (سطر ۳۹)

24- rty šn pr čwpr 'βtrtn'ynčh sy'kh prδ'ytčh y'y.b

بود گسترده سایه بان هفت گوهر بالای سر بر -شان و
ترجمه: و بالای سرشان سایه‌بان هفت گوهر گسترده بود. (سطر ۱۸)

۱۳- توالی متمم‌نما و جمله‌ی متمم (مؤلفه‌ی ۲۱، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در متن *وَسْتَرَهْ جَاتْگَهْ*، ۱۳ (نشانه‌ی بند متمم) به کار رفته و همواره در ابتدای جمله متمم آمده و راست‌انشعابی است. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۲۱، راست-انشعابی است. این متمم‌نماها عبارتند از: kw (که) ۱ بار، 'PZY (که) ۱۲ بار پس از فعل‌های گفتن، شنیدن، دانستن، به نظر آمدن، فکر کردن، پاسخ دادن، خواستن و دیدن آمده‌اند.

_ نشانه‌ی بند متمم و جمله‌ی متمم (Com-S)

25- p'rzy 'ky yrβy kt'rw 'pzy 'zw t'β'kh wyn'm k'm kt'r zy l'?

نه و یا خواهم دید تو را من که آیا می‌داند چه کسی زیرا
ترجمه: زیرا چه کسی می‌داند که آیا من تو را خواهم دید یا نه؟ (سطر ۳۰۳)

26- rty w'n'kw yrβ'm 'PZY 'γw mn' r'w prw wry z'yh pr''yt .

رسیده دوردست به آوازه من حرف تعریف که فکر می‌کنم چنین و
ترجمه: من فکر می‌کنم که آوازه‌ی من به دوردست رسیده است. (سطر ۱۴۴)

۱۴- حرکت پرسشواژه (مؤلفه‌ی ۲۲، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

در این مؤلفه به این موضوع پرداخته می‌شود که آیا پرسشواژه در جای اصلی خود باقی می‌ماند یا الزاماً به آغاز جمله حرکت می‌کند. در متن *وَسْتَرَهْ جَاتْگَهْ* ۸۰ بار ادات استفهام از ماده‌های -č و -k و نیز ادات استفهام kt'r (آیا) و kt'm (کدام) به کار رفته‌اند که به آغاز جمله آمده‌اند. بنابراین زبان سغدی بودایی بر پایه‌ی متن، در مؤلفه‌ی ۲۲، چپ‌انشعابی است.

-حرکت پرسشواژه (Wh-word)

42- čwty γwβnw wytw δ'r'y?

دیدهای خوابی چه

ترجمه: چه خوابی دیده‌ای؟ (سطر ۴)

-čwty krty pry zt?

پسر عزیز شده است چه

ترجمه: چه شده است ای پسر عزیز؟ (سطر 44)

۱۵- واژه جمع‌ساز و اسم (مؤلفه‌ی ۲۷، دبیرمقدم، ۱۳۹۲)

گاهی برای نشان دادن شمار جمع در برخی زبان‌ها از واژه‌ی جمع‌ساز استفاده می‌شود یعنی به جای یک وند جمع‌ساز از یک واژه‌ی جمع‌ساز استفاده می‌شود. برای این مؤلفه در متن وستتره جاتکه مثالی یافت نشد.

۶. نتیجه‌گیری

متن «وستتره جاتکه» یا داستان تولد بودا، روایتی ست سغدی از داستان تولد سوداشن و شرح تلاش‌ها و بخشندگی‌های وی برای رسیدن به مقام بودا که منجر به تبعید وی به کوه دندرک از سوی پدرش شاه شیوی شد. وستتره جاتکه به زبان سغدی بودایی نوشته شده است و از آنجایی که طولانی‌ترین متن بازمانده‌ی سغدی ست و نسبت به دیگر متون سبک ادبی پیشرفته‌تری دارد و نیز از آنجا که به نظر می‌رسد بیشتر تألیفی بومی و یا بازنویسی داستانی بودایی باشد و احتمال اینکه ترجمه باشد کمتر است، برای پژوهش رده‌شناسی زبان سغدی بودایی انتخاب شد. در این پژوهش، رده‌شناسی آرایش سازه‌های متن بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته (HDT) و نظریه‌ی جهت انشعاب (BDT) درایر (۱۹۹۲) و الگوی بررسی آرایش سازه‌های دبیرمقدم (۱۳۹۲) انجام گرفته است. بر پایه‌ی نظریه‌ی هسته و وابسته (HDT)، سازه‌ی هم الگو با فعل، هسته و سازه‌ی هم الگو با مفعول، وابسته خوانده می‌شود. پس در زبان‌های vo آرایش سازه‌ای هسته_وابسته و در زبان‌های ov آرایش سازه‌ای وابسته_هسته‌ای حاکم است و نیز بر مبنای نظریه‌ی جهت انشعاب (EDT) برای زبان‌های گوناگون می‌توان دو وضعیت را متصور شد: راست‌انشعابی و چپ‌انشعابی.

دبیرمقدم (۱۳۹۲) با اشاره به مشخصه‌های رده‌شناختی زبان‌های باستانی ایران مانند فارسی باستان، اوستایی و فارسی میانه به تحلیل آرایش سازه‌های آنان و همچنین زبان فارسی نو می‌-

پردازد. زبان فارسی باستان در ۲ مشخصه فعل‌پایانی قوی، در ۵ مشخصه فعل‌میانی قوی و در ۴ مشخصه هم‌مشترک است. بنابراین فارسی باستان از لحاظ رده‌شناختی زبانی یکدست و یکپارچه نیست، ولی بیشتر به فعل‌میانی بودن گرایش دارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۴). زبان اوستایی خود دارای دو گونه‌ی متقدم و متأخر است. اوستایی متقدم دارای ترتیب فاعل-مفعول-فعل است ولی در پی تغییر رده‌شناختی اوستایی متأخر به سوی زبان‌های دارای ترتیب فاعل-فعل-مفعول گرایش پیدا می‌کند (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۵۱). زبان فارسی میانه در ۲ مشخصه فعل‌پایانی قوی، در ۳ مشخصه فعل‌میانی قوی و در ۵ مشخصه مشترک است. بنابراین همچون فارسی باستان و فارسی نو زبانی یکدست از لحاظ مشخصه‌های رده‌شناختی نیست (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۴). زبان فارسی به لحاظ مؤلفه‌های رده‌شناختی به فعل‌میانی بودن گرایش دارد یعنی زبانهای دارای ترتیب فاعل-فعل-مفعول (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۴).

با توجه به نتایج پژوهش و تحلیل متن *وَسْتَرَهْ جَانَكَه*، می‌توان گفت که زبان سغدی بودایی بر اساس بررسی مؤلفه‌های وابسته به اسم، در ۵ مؤلفه راست‌انشعابی یا هسته‌آغاز است و در ۸ مؤلفه چپ‌انشعابی یا هسته‌پایان است. همچنین برای ۱ مؤلفه در متن مصداقی یافت نشد. اساس آرایش جمله در زبان سغدی، به صورت فاعل-مفعول-فعل است.

همچنین زبان سغدی بودایی در مقایسه با زبان‌های اروپا-آسیا، گرایش به سوی زبان‌های فعل‌میانی قوی و در مقایسه با زبان‌های جهان، گرایش به سوی زبان‌های فعل‌پایانی قوی و فعل‌میانی قوی دارد.

یکی از اهداف پژوهش حاضر، مقایسه‌ی رده‌شناختی آرایش سازه‌ای زبان سغدی بودایی و سغدی مسیحی است. آثار سغدی به سه گروه مانوی، بودایی و مسیحی تقسیم می‌شود چرا که رواج آیین‌های بودایی، مسیحی و مانوی در میان سغدی‌زبانان ترکستان شرقی باعث ترجمه‌ی متون مذهبی از چینی، سنسکریت، سریانی و فارسی میانه به سغدی شد. صابونچی (۱۳۹۸) به بررسی رده‌شناختی آرایش سازه‌های متون سغدی مسیحی پرداخت. صابونچی (۱۳۹۸) پس از بررسی متون سغدی مسیحی دریافت که زبان سغدی مانوی از منظر جهت انشعاب، با اختلافی اندک به سوی چپ‌انشعابی بودن، گرایش دارد. در پژوهش وی ۲۷۷۷ جفت‌عنصر بررسی شد که از آن میان، ۱۳۵۲ جفت‌عنصر چپ‌انشعابی یا هسته‌پایان‌اند و ۱۴۸۰ جفت‌عنصر راست‌انشعابی و هسته‌آغاز هستند (صابونچی ۲۵۰، ۱۳۹۸). پس از بررسی متن *وَسْتَرَهْ جَانَكَه*

مشخص شد که بر اساس متن، زبان سغدی بودایی با اختلاف بیشتری نسبت به سغدی مانوی، گرایش به چپ‌انشعابی بودن دارد. به طوری که از میان ۵۶۵۴ جفت‌عنصر بررسی شده (مؤلفه-های وابسته به اسم و مؤلفه‌های وابسته به فعل)، در ۳۸۸۸ جفت‌عنصر چپ‌انشعابی یا هسته-پایان است و در ۱۷۶۶ جفت‌عنصر راست‌انشعابی یا هسته‌آغاز است.

فهرست نشانه‌ها

نشانه‌های واج‌نگاری

واج‌ها		حرف‌نوشت
ا	a	·
آ	ā	()
ب	b β,	β
چ	č	C
ذ	δ	δ
د	ē	Y
ف	f	β,P
غ	γ	γ
ای	ī	Y
ک	k	K,q
م	m	m
ن	n	n
و	ō	w
پ	p	P
ر	r	r
س	s	s
ش	š	š
ت	t	t
ت	θ	δ
او	ū	w
و	w	w
خ	x	x

ی	y	y
ز	z	z
ژ،ج	ž	z,

فهرست نشانه‌های اختصاری

نشانه		توضیح
Adp	Adposition	حرف اضافه
Adj	Adjective	صفت
Adv	Adverb	قید
Artcl	Article	حرف تعریف
Com	Complementizer	متمم‌نما
BDT	Branching Direction Theory	نظریه‌ی سوی انشعاب
Dem	Demonstrative Adjective	صفت اشاره
Gen	Genitive	مضاف‌الیه
HDT	Head-dependent Theory	نظریه‌ی هسته و وابسته
N	Noun	اسم
Num	Number	عدد
O	Object	مفعول
OV	Object Verb	مفعول-فعل (=فعل آغازی)
OVS	Object Verb Subject	مفعول-فعل-فاعل
OSV	Object Subject Verb	مفعول-فاعل-فعل
Poss	Possessive Free	تکواژ آزاد ملکی
Prep	Preposition	پیشابند
Postp	Postposition	پسابند
Rel	Relative Clause	بند موصولی
S	Sentence	جمله
SOV	Subject Object Verb	فاعل-مفعول-فعل
St	Standard of Comparison	مبنای مقایسه
SVO	Subject Verb Object	فاعل-فعل-مفعول
Sub	Subject	فاعل
Sub	Adverbial Subordination	پیرونمای قیدی

VO	Verb Object	فعل-مفعول (=فعل پایانی)
VOS	Verb Object Subject	فعل-مفعول-فاعل
VSO	Verb Subject Object	فعل-فاعل-مفعول

منابع

- ۱- آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد. (۱۳۷۵). *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*. تهران: معین.
- ۲- ابوالقاسمی، محسن. (۱۳۹۲). *دستور تاریخی زبان فارسی*. تهران: سمت.
- ۳- _____ (۱۳۷۵). *راهنمای زبانهای باستانی ایران (جلد دوم)*. تهران: سمت.
- ۴- اسماعیلی، محمدمهدی و حسن‌پور، فاطمه. (۱۳۹۲). قواعد ساخت سازه‌ای فارسی باستان در کتیبه‌ی بیستون. *زبان و زبان‌شناسی*، ۹ (۱۷)، ۹۳-۱۰۹.
- ۵- استاجی، اعظم و جانگیری، نادر. (۱۳۸۵). منشأ کسره اضافه در زبان فارسی. *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی اصفهان*، ۴۷، ۸۲-۶۹.
- ۶- الهی، مستانه. (۱۳۸۹). کاربرد پسوندها در زبان سغدی و سنجش آن با زبان یغناپی. *پیام باستان*، ۷ (۱۳)، ۱۱۶-۱۰۷.
- ۷- بقایی، شیرین و محمدی ده چشمه، حمزه. (۱۳۹۴). بررسی تحول ساختاری قید در فارسی باستان، فارسی میانه و فارسی دری. *فصلنامه پژوهش‌های ادبی و بلاغی*، شماره ۱۲، ۱۱۵-۱۳۰.
- ۸- ثمره، یدالله. (۱۳۶۹). تحلیلی بر رده‌شناسی زبان: ویژگی‌های رده‌شناختی زبان فارسی. *مجله زبان‌شناسی*، ۷ (۱)، ۸۰-۶۱.
- ۹- جلالیان چالشتی، محمد حسن. (۱۳۹۴). *nam-ōzēž* دو فعل غیر شخصی در زبان سغدی. *زبان‌شناخت*، ۶ (۱)، ۶۴-۴۹.
- ۱۰- _____ (۱۳۹۵). *فعل تابع افعال وجهی در زبان سغدی*. *جستارهای زبانی*، شماره ۳۱، ۶۸-۵۵.
- ۱۱- حامدی شیروان، زهرا. (۱۳۹۵). بررسی آرایش واژگان و حالت‌نمایی در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناسی زبان. رساله دکتری. گروه زبان‌شناسی همگانی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه فردوسی مشهد.

- ۱۲- حامدی شیروان، زهرا، شریفی، شهلا و ییاسی، محمود. (۱۳۹۵). آرایش واژگان در گویش‌های فارسی خوزستان از منظر رده‌شناختی. *فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۴ (۱۱)، ۱-۳۲.
- ۱۳- خبازی، لیلی. (۱۳۸۸). بررسی تاثیر متقابل زبان سغدی و ترکی بر یکدیگر در یک سند ترکی-سغدی. *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، ۵۲ (۲۱۱)، ۸۰-۶۳.
- ۱۴- دبیرمقدم، محمد. (۱۳۹۲). *رده‌شناسی زبان*. تهران: امیر کبیر.
- ۱۵- راشد محصل، محمد تقی. (۱۳۸۹). *راهنمای زبان سنسکریت*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۱۶- رضاپور، ابراهیم. (۱۳۹۴). ترتیب واژه در سمنانی از منظر رده‌شناسی زبان. *جستارهای زبانی*، ۶ (۵)، ۱۹۰-۱۶۹.
- ۱۷- رضائی باغ بیدی، حسن. (۱۳۹۱). *مقدمات زبان سنسکریت*. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۱۸- رضویان، حسین، کاوسی تاجکوه، صدیقه و بهرامی خورشید، سحر. (۱۳۹۵). ساخت اضافه در زبان فارسی از منظر دستور ساخت گلدبرگ. *پژوهش‌های زبانی*، ۷ (۲)، ۵۷-۳۹.
- ۱۹- زرشناس، زهره. (۱۳۹۰). *دستنامه‌ی سغدی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۰- صابونچی، علی. (۱۳۹۸). *آرایش سازه‌ها در چند متن منشور سغدی مانوی*. رساله دکتری. رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۲۱- قادری، تیمور. (۱۳۷۵). جملات ناهم‌پایه در زبان سغدی. *فرهنگ*، شماره ۱۷، ۳۱۶-۳۱۱.
- ۲۲- قریب، بدرالزمان. (۱۳۷۴). *فرهنگ سغدی*. تهران: فرهنگیان.
- ۲۳- _____ (۱۳۸۳). *روایتی از تولد بودا (متن سغدی و ستره جاتکه)*. تهران: اسطوره.
- ۲۴- مقدم، آژیده. (۱۳۸۸). حروف اضافه‌ی دوگانه، توأمان و ترکیبات اضافی، در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی. *زبان و زبان‌شناسی*، ۵ (۹)، ۶۸-۴۹.
- ۲۵- _____ (۱۳۸۴). *ساختمان حروف اضافه‌ی منفرد در زبان‌های پهلوی ساسانی و فارسی میانه‌ی ترفانی. ویژه‌نامه‌ی فرهنگستان*. شماره ۱، ۶۶-۹۶.

- ۲۶- _____ (۱۳۹۰). معانی و ساخت‌های دستوری حروف اضافه در زبان‌های پهلوی ساسانی و پارسی میانه‌ی ترفانی. پژوهش‌های زبانی، شماره ۱، ۱۲۹-۱۵۶.
- ۲۷- منشی زاده، مجتبی و ناصح، محمدمامین. (۱۳۸۶). نگاهی رده‌شناختی به نحو زبان فارسی میانه. نشر پژوهی ادب فارسی، شماره ۲۲، ۲۵۷-۲۳۵.
- ۲۸- مولایی، چنگیز. (۱۳۸۴). راهنمای زبان فارسی باستان. تهران: مهرنامگ.
- ۲۹- میرفخرایی، مهشید. (۱۳۸۳). درآمدی بر زبان ختنی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۰- هدایت، ندا. (۱۳۹۵). بررسی مؤلفه‌های توالی واژه و هم‌بستگی آنها با توالی مفعول/ فعل در گویش تاتی گیفان، براساس دیدگاه رده‌شناختی درایر. زبان فارسی و گویش‌های ایرانی، ۱ (۲)، ۱۹۶-۱۷۷.
- ۳۱- یوسفیان، پاکزاد. (۱۳۸۳). توصیف رده‌شناسی زبان بلوچی. رساله دکتری. گروه زبان‌شناسی همگانی. دانشگاه اصفهان.
- 32- Benveniste, Émile (1946). *Vesantia jātak*, Text Sogdien, Édité, Traduit et Commenté.
- 33- Benveniste, Émile (1952). La construction passive du parfait transitif. *Bulletin de la Société de linguistique de Paris*, 48, 52-62.
- 34- Brunner, C. J. (1977). *A syntax of western Middle Iranian* (No. 3). Caravan Books. Delmar, New York.
- 35- Bubenik, V. (1989). An interpretation of split ergativity in Indo-Iranian languages. *Diachronica*, 6 (2), 181-212.
- 36- Bubenik, V. (2009). The rise and development of the possessive construction in Middle Iranian with parallels in Albanian. In *Grammatical change in Indo-European languages* (pp.89-101). Amsterdam: John Benjamins.
- 37- Cardona, G. (1970). The Indo-Iranian construction mana (mama) krtam. *Language*, 46 (1), 1-12.
- 38- Dabir-Moghaddam, M. (2006). Internal and external forces in typology: Evidence from Iranian languages. *Journal of Universal Language*, 7(1), 29-47.
- 39- Dryer, M. S. (1992). The Greenbergian Word Order Correlations. *Language*, 68 (1), 81-138.
- 40- Dryer, M. S. (1997). On The Six-Way Word Order Typology. *Studies in Language*, 21, 69-103.
- 41- Elahi, M. (2010). Brief Survey Of Grammatical Feature In Khawrazmian Language And Compared With Soghdian Language. *PAYAM-E BASTANSHENAS*, 7(13), 117-134.
- 42- Friedrich, P. (1975). Proto-Indo-European syntax: The order of meaningful elements. *Journal of Indo-European studies*, (No. 1).

- 43- Geiger, W. (1893). Die Passivconstruction des Präteritums transitiver Verba im Iranischen. In Ernst KUHN (ed.), *Festgruß an Rudolf Roth* (pp. 1–5). Stuttgart: Kohlhammer.
- 44- Greenberg, J. H. (1974). *Language Typology: A Historical and Analytic Overview*. The Hague, Paris: Mouton.
- 45- Haider, H., & Zwanziger, R. (1984). Relatively attributive: The " ezafe"-construction from Old Iranian to Modern Persian. *Historical syntax*, 23, 137.
- 46- Haig, G. L. (2008). *Alignment change in Iranian languages: A construction grammar approach*, 37. Walter de Gruyter.
- 47- Hajiani, F. (2019). An etymological exploration and dissection of Sogdian loanwords in Modern Persian. *International Journal of Language Studies*, 13(3).
- 48- Hale, M. (1988). Old Persian word order. *Indo-Iranian Journal*, 31(1), 27-40.
- 49- Heston, W. L. (1977). *Selected Problems in Fifth To Tenth-Century Iranian Syntax*. Unpublished doctoral dissertation. University of Pennsylvania.
- 50- Jügel, T. (2012). *Die Entwicklung der Ergativkonstruktion im Alt-und Mitteliranischen– Eine korpusbasierte Untersuchung zu Kasus, Kongruenz und Satzbau [The Development of the Ergative Construction in Old and Middle Iranian: A Corpus-Based Approach* (Doctoral dissertation). Goethe University Frankfurt.
- 51- Kent, R. G. (1950). *Old persian: Grammar. Texts. Lexicon*. American Oriental Society.
- 52- Kubovich, I. Y. (2005). The Syntactic Evolution Or Aramaic Zy In Sogdian. *Studia Iranica*, 34, 199-230.
- 53- Noda, K. (1983). Ergativity in Middle Persian. *GENGO KENKYU (Journal of the Linguistic Society of Japan)*, 1983(84), 105-125.
- 54- Payne, J. R. (1979). Transitivity and intransitivity in the Iranian languages of the USSR. In *The Elements: A parasession on linguistic Units and Levels Including Papers from the Conference on Non-Slavic Languages of the USSR*, (pp. 20-21).
- 55- Windfuhr, G. (Ed.). (2009). *The Iranian Languages*. Psychology Press.
- 56- Yoshida, Y. (2013). Sogdian. In *the Iranian languages* (pp. 355-411). Routledge.

**Typology of the word order of the Buddhist Sogdian text
“Vesantara Jātaka”(The story of The Buddha’s birth) based on
Nominal categories**

Raziyeh Moosavikho

**PhD student in Ancient Culture and Languages, Tehran Research Sciences Branch,
Islamic Azad University, Tehran, Iran**

Zohre Zarshenas (Corresponding Author)¹

**Professor of Ancient Culture and Languages, Institute of Humanities and Cultural
Studies, Tehran, Iran**

Atoosa Rostambeik Tafreshi

**Assistant Professor of General Linguistics, Institute of Humanities and Cultural
Studies, Tehran, Iran**

Received: 20/06/2020 Accepted:20/09/2021

Abstract

Sogdian Language is one of the middle eastern Iranian Languages which is divided into three parts: Manichaean, Buddhist and Christian. This paper surveys The Typology of the word order of the Buddhist Sogdian text “Vesantara Jātaka”. There has not been research done on the Typology of the word order of this language. This paper surveys The Typology of the word order of the Buddhist Sogdian text “Vesantara Jātaka” through a descriptive-analytical study. Data have been collected through library method and purposive sampling. Present article discusses on The word order of this text, among 24 categories discussed in Dabir Moghadam (2012), and 4 categories which Dryer presented (1992). Among 28 introduced components, 15 Nominal components have been studied. Based on the Branching direction theory (BDT), for different languages, two situation can be imagined: Right branching, Left branching. Based on the Branching direction theory, It was found that Sogdian Language tends to be left-branching. Sogdian language is Left-branching in the 8 Components and is Right-branching in 5 Components.

Keywords: Buddhist Sogdian language Typology Constituents Order Vesantara Jātaka Branching direction

1- zzarshenas@gmail.com